

تأثیر ربا و زکات بر

حسابداری اسلامی

نویسنده: ملیح بنت سلیمان
ترجمه: فرهاد جابرزاده
داریوش مختاری

مقدمه

حسابداری محصول محیط‌اش است (perera 1989). بنابراین، سیستم حسابداری کشورها می‌تواند متأثر از چارچوب سیاسی و قانونی، ماهیت مالکیت، بزرگی و پیچیدگی تجارت، سطح مهارت مدیران تجاری و جامعه‌ی مالی، میزان مداخله‌ی قانون در تجارت، وجود قوانین خاص حسابداری، سرعت نوآوری‌های بازرگانی، سطح توسعه‌ی اقتصادی، وضعیت تحصیلات و سازماندهی حرفه‌ای و وضعیت اجتماعی باشد. هوپ وود (Hpowood, 1991) این نگرش را به طور مبسوط شرح می‌دهد. وی بیان می‌کند که حسابداری می‌تواند یک پدیده‌ی فنی فرض شود که به وسیله‌ی فرهنگ‌ها، پیکربندی سازمانی و شرایط اجتماعی-تاریخی جوامع خاص شکل گرفته است.

به نظر نویسندگانی مانند گمبلینگ و کریم (Gambling & Karim, 1991)، کریگ و کلارک (Craig & Clark, 1993) و بی‌دون و ویلت (Baydoun & Willett) ارتباط بین اسلام و حسابداری می‌تواند یک ارتباط چشمگیر و قابل ملاحظه باشد. هافستد (Hofsted, 1980) این نظریه را تصدیق و صریحاً اذعان می‌کند که در جوامع اسلامی مذهب به طرز چشمگیری بر روش انجام حسابداری تأثیر می‌گذارد. بنابراین لازم است که مدل خاصی برای حسابداری به وجود بیاوریم که بتواند به طور بهتری به درد جوامع اسلامی بخورد. این مسأله از این جهت اهمیت دارد که اکنون بسیاری از کشورهای اسلامی سعی می‌کنند اقتصادشان را به ویژه در زمینه‌ی بانکداری با اصول اسلامی تطبیق دهند. بانک‌های اسلامی نه تنها در کشورهای مسلمان در حال توسعه است بلکه چنین بانک‌هایی در کشور انگلیس و بقیه کشورهای اروپا شکل گرفته است. نظر به حمایت‌های مالی بیشتر بانک‌های اسلامی از دادوستدهای موافق با اسلام، باید انتظار افزایشی در داد و ستدهایی را داشت که اکیداً مطابق با اصول اسلامی اجرا می‌شوند این امر به نوبه‌ی خود بر روش‌های حسابداری تأثیر می‌گذارد.

چون اسلام احکام منسجمی دارد که حکم می‌دهند تجارت (دادوستد) باید چگونه اجرا شود، بنابراین برای این که روش‌ها و نظریه‌ی حسابداری مرتبط با استفاده‌کنندگان مسلمان باشد، باید نظریه‌های مطابق با شریعت اسلامی شرح و بسط داده شوند. به‌رغم این، مطالعات پیشین در مورد اهمیت فرهنگ بر روش‌های حسابداری به‌ندرت اسلام را به عنوان مرجعی مؤثر بر روش‌های حسابداری به رسمیت شناخته است. مطالعه‌ی حمید و دیگران (Hamid, et al., 1993) در مورد هماهنگ‌سازی روش‌های حسابداری، مطالعه‌ی بی‌دون و ویلت (۲۰۰۰) در مورد



استقرایی، که هدف‌گرا هستند، بسیار ارزشمندند و از قضاوت ارزشی شروع می‌شوند.

از آنجا که نظریه‌های قیاسی-استقرایی در پی پاسخ به چنین سؤالاتی هستند که چقدر حرفه‌ی حسابداری هدفی خاص را برآورده می‌کند یا



چگونه حرفه‌ی حسابداری می‌تواند به منظور برآورده ساختن هدفی خاص بهبود یابد (Gray et al., 1987). از این رو، این نظریه‌ها هم برای برخی اهدافی که به حسابداری خدمت

می‌کنند، مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. بی‌دون و ویلت (۱۹۹۴) در این نتیجه‌گیری با گمبلینگ و کریم هم عقیده‌اند:

”ماهیت نظریه‌ی حسابداری اسلامی به مانند رهنمودی است درباره‌ی این که کارها چگونه باید انجام شوند تا اهداف اسلامی برآورده شود و در نهایت این که کارها در عمل چگونه انجام می‌شوند.”

اگر قرار باشد که احکام اسلام ارتباطی با استفاده‌کنندگان مسلمان داشته باشد لازم است توسعه‌ی نظریه‌ی حرفه‌ی حسابداری از این احکام پیروی کند. چارچوب مفهومی سیستم‌های حسابداری وابسته به غرب، با شناخت تفاوت بین اصول اخلاقی شخصی توسعه یافته است، بنابراین با جوامعی که اصول و اخلاقیات آنها بر تمام جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی زندگی حکم‌فرما است (مانند آنچه در جوامع اسلامی وجود دارد)، ارتباط محدودی دارد. توجیه اعمال روش‌های حسابداری در اسلام قابل قبول نیست، زیرا شواهد کمی وجود دارد که کاری که تاکنون انجام شده است الزاماً با اصول اسلامی مطابقت دارد (Gambling & Karim, 1991).

رویکرد قیاسی-استقرایی، استنتاج اهداف گزارشگری مالی از تعاریف و میثاق‌های حسابداری را مطابق با اصول و اهداف شریعت در بر دارد. این اهداف، قوانین، میثاق‌ها و مفاهیم، مبنایی را برای چارچوب ساختاری اسلامی برای نظریه‌ی حسابداری تشکیل می‌دهند که از این پس باید به عنوان مرجعی برای روش‌های حسابداری عمل کند. با این حال، در شرح و بسط حسابداری اسلامی، روشی که در این مقاله آورده می‌شود رد بدون بررسی تمام آنهایی نیست که از غرب آغاز شده‌اند. توانایی وام گرفتن از سایر تمدن‌ها و همگون کردن منابع وام گرفته شده، نشان خوداستواری است. تضمین این که سیستم، نیازهای استفاده‌کنندگان مسلمان را برآورده می‌کند، حائز اهمیت است.

گزارشگری اسلامی در شرکت‌ها و کتاب گمبلینگ و کریم (۱۹۹۱) در مورد اخلاقیات حسابداری و تجارت در اسلام، جزو معدود استثناءها هستند.

تحقیق موضوع این مقاله به این منظور انجام گرفته است که ادبیات حوزه‌ی حسابداری اسلامی را بهبود بخشد. به ویژه مطالعه‌ی انجام شده بر متون کنونی با پرداختن به دو مسأله‌ی مهم در توسعه‌ی حسابداری اسلامی یعنی زکات و ربا، تأثیر می‌گذارد. به منظور توسعه‌ی سیستم حسابداری خاصی که به بهترین وجه نیازهای جوامع اسلامی را برطرف سازد لازم است جهان‌بینی آن را درک کنیم. این مسأله در قسمت دوم مورد بحث قرار گرفته است. موضوع قسمت سوم، نیاز به اتخاذ روش قیاسی-استقرایی در توسعه‌ی حسابداری اسلامی است، در حالی که در قسمت چهارم، در مورد اهمیت ربا بحث می‌شود و در قسمت پنجم، تأثیر زکات شرح داده می‌شود و قسمت ششم نیز بخش نتیجه‌گیری است.

جهان‌بینی اسلامی

شریعت، طرح کلی یک جامعه‌ی اسلامی ایده‌آل، جنبه‌های راستین مسلمانی را به اثبات کردن ایمان و عقیده‌ی شخص مسلمان، مورد توجه قرار می‌دهد. جهان‌بینی اسلامی بر پایه‌ی سه اصل بنیادی قرار دارد: توحید، خلیفه‌ی و عدالت. توحید، به اساس مذهب اسلام، اشاره دارد. به یکتایی خداوند و این اعتقاد که جهان توسط خداوند خلق شده و وجود آمدن آن شانسی و تصادفی نبوده است. مفهوم خلیفه، نقش و مقام انسان را توصیف می‌کند و مسئولیت‌های اشخاص را در قبال خودش و در قبال امت (اجتماع انسان‌های مؤمن) را مشخص می‌کند. عدالت به مفهوم خلیفه‌ی الهی مربوط است. علاوه بر این، عدالت به شدت در قرآن مورد تأکید قرار گرفته است (سوره‌ی اعراف آیه‌ی ۲۹ و سوره‌ی مائده آیه‌ی ۸). تعهد اسلام، در قبال اخوت و ضرورت عدالت است. از این رو، ثروت نباید در دست افراد معدودی متمرکز شود (Chpra, 1992). در نتیجه، تأکید بر سعادت جامعه قطعی است. پس جهان‌بینی اسلامی که در بالا توضیح داده شد، چارچوبی فراهم می‌کند که به کمک آن می‌توان حسابداری اسلامی را شرح و بسط داد.

حسابداری اسلامی: رویکرد قیاسی - استقرایی

طبق نظر گمبلینگ و کریم (۱۹۹۱)، سیستم‌های حسابداری اسلامی، نادر هستند. در نتیجه، در توسعه‌ی نظریه‌ی حسابداری اسلامی روش قیاسی-استقرایی پیشنهاد می‌شود. نظریه‌های قیاسی-



در شرح و

بسط حسابداری اسلامی

روشی که در این مقاله آورده می‌شود

رد بدون بررسی تمام آنهايي نیست

که از غرب آغاز شده‌اند.

توانایی وام گرفتن از

سایر تمدن‌ها و

همگون کردن منابع وام گرفته شده

نشان خوداستواری است

اهمیت ربا

واژه‌ی ربا به‌طور تحت‌اللفظی به معنای "افزایش"، "اضافه"، "بسط" یا "رشد" است. شریعت ربا را به عنوان اضافه‌بهای تعریف می‌کند که توسط وام‌گیرنده به وام‌دهنده پرداخت می‌شود. برطبق نظر چپرا (Chapra, 1992)، ربا و بهره هم‌معنی هستند. قرآن در آیه‌های زیر آشکارا ربا را منع می‌کند:

"آن کسانی که ربا می‌خورند در قیامت برنخیزند جز به مانند آن که به وسوسه و فریب شیطان دیوانه شده و آنان بدین سبب در این عمل زشت افتند که گویند: فرقی بین تجارت و ربا نیست، حال آن که خدا تجارت را حلال و ربا را حرام کرده است (سوره‌ی بقره آیه‌ی ۲۷۵)"

"خدا سود ربا را نابود گرداند (که ربا جز لعنت در دنیا و آخرت سودی ندارد) و صدقات را فزونی بخشد (سوره‌ی بقره آیه‌ی ۲۷۶)"

پول واسطه‌ای برای داد و ستد است و کالایی نیست که خرید و فروش شود. بنابراین، موقعی که پول اضافه‌بهای را به‌طلب در اقتصاد اسلامی ممنوع است. (Ghazali, 1990) انگیزه‌ی اخلاقی برای ممنوعیت بهره بر اصل سوء استفاده نکردن از فقرا و نیازمندان از طریق تحصیل بهره بر وام‌هایی که به آنها داده می‌شود، قرار دارد. از این عمل (استثمار فقرا) به عنوان نوعی ظلم و تعدی تعبیر می‌شود. در ممنوع ساختن بهره، اسلام طرفدار نظام اقتصادی است که سرمایه به‌خودی خودش بازگردانی را ایجاب نکند. بنابراین، هیچ منفعتی بدون خطر نخواهد بود. البته، این بدان معنی نیست که قمار به‌خودی خود مجاز است.

بر طبق نظر ال-اشکر (El-Ashker)، انگیزه‌ی اقتصادی بر مبنای اصول عدالت و پیشگیری از جمع شدن ثروت در دست تعدادی اندک، کاری سختی است. بی‌عدالتی هنگامی روا است که امکان بازگرداندن حتمی و ضمانت شده‌ای به وام‌دهنده وجود داشته باشد، اما بازگردان به وام‌گیرنده نامعلوم و بی‌ثبات باشد. در نتیجه اگر وام‌دهنده سهم خودش از زیان و هم‌چنین سود را بپذیرد عدالت اجرا شده است.

اگر وام‌دهنده با صداقت به وام‌گیرنده کمک مالی می‌کند او نباید چیز بیشتر از چیزی را پس بگیرد که قرض داده است. اسلام مبالغ اضافی را به عنوان تضمینی در برابر خطر نمی‌شناسد. مسلمانان اعتقاد دارند که بلا تکلیفی و تردید چیزی است که باید انسان در دنیا با آن روبرو شود. مسلمانان باید قسمت‌شان را از هر بد اقبالی که برای آنها روی می‌دهد بپذیرند. آنها نمی‌توانند در برابر خطر از خودشان محافظت کنند. مطالبه‌ی بهره، خطر را از وام‌دهنده به وام‌گیرنده منتقل می‌کند. نتیجه‌ی این عمل، در نهایت افزایش فاصله‌ی بین افراد غنی و فقیر جامعه است.

بنابراین، نتیجه این تضعیف و سست شدن پیوند برادری است که در انتها به حسادت، خصومت و بداندیشی خواهد انجامید. پیامدهای این کار برای حسابداری در جوامع مسلمان چیست؟ نخست آن که، این کار بر ساختار سرمایه‌ی یک شرکت و سپس بر روش‌های افشای گزارشگری مالی تأثیر می‌گذارد.



ساختار سرمایه

شرکت‌هایی که تحت قوانین دقیق اسلامی کار می‌کنند اجازه ندارند به فعالیت‌های مرتبط با هر نوع ربا مبادرت کنند. بنابراین، باید انتظار داشت که ساختار سرمایه‌ی شرکت‌های تجاری اسلامی با همتهای غربی‌شان تفاوت داشته باشد. حمید و همکاران (۱۹۹۳)

استدلال می‌کنند که اسلام افزایش از طریق

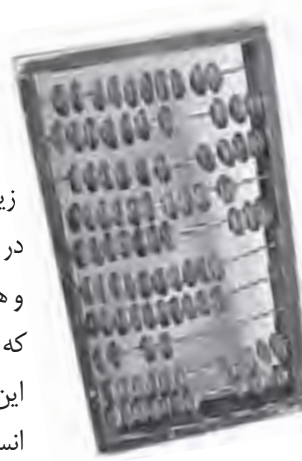
فروش سهام به عنوان تامین مالی برای پرداخت قروض و دیون را به دلیل ممنوع ساختن بهره از جانب خداوند و اندرز حضرت محمد (ص) در برابر خود قرض، منع می‌کند. در زیر آیه‌ای از قرآن درباره‌ی ثبت قروض آمده است:

”ای اهل ایمان، چون به قرض و نسیه معامله کنید تا زمانی معین، سند و نوشته در میان باشد و باید نویسنده‌ی درست‌کاری معامله‌ی میان شما را بنویسد و از نوشتن ابا نکند که خدا به وی نوشتن آموخته، پس باید بنویسد و مدیون امضا کند و از خدا بترسد از آنچه مقرر شده، چیزی نکاهد” (سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۸۲)

بنابراین، تا جایی که معاملات دیون هیچ بهره‌ای را در بر نداشته باشند قرض در اسلام مجاز است؛ اما تشویق به گرفتن قرض نمی‌شود. این بدین معنی است که اوراق قرضه مجاز نیستند، زیرا چنین اوراقی نرخ ثابتی از بهره را دارند، نه به دلیل آن که به خودی خود قرض هستند. در مورد این که آیا سهام ممتاز در اسلام مجاز است، حمید و همکاران (۱۹۹۳) اظهار می‌کنند سهام ممتاز در اسلام خلاف قانون است، زیرا سود آن‌ها ثابت است. با این حال ال-اشکر (۱۹۸۷) و محسن (1992)، ادعا می‌کنند که اگر نرخ سود ثابت سهام ممتاز حذف شود، این سهام ممتاز به عنوان شکلی از سرمایه، هیچ یک از اصول شریعت را زیر پا نخواهد گذاشت و در حقیقت شبیه به نقش شریک غایب در مشارکت دو طرفه یا مضاربه خواهد بود.

به طور جالب توجهی، عربستان سعودی نوع مشابهی از سهام ممتاز را در سال ۱۹۹۲ مجاز کرد. به جای این که نرخ ثابت سود را در عربستان سعودی ثابت نگه دارند، سهام ممتاز، نرخ از پیش تعیین شده‌ای برای بازگرداندن دارد.

پس به وضوح، شرکتی که تجارت‌اش را دقیقاً مطابق اصول اسلام اداره می‌کند در ساختار سرمایه‌اش هیچ نوع اوراق قرضه یا سهام ممتازی با نرخ ثابت سود وجود نخواهد داشت. هر نوع وام بلندمدتی



که از بانک گرفته می‌شود به صورت مشارکت مضاربه خواهد بود؛ یعنی، بانک سهمی از سود شرکت را دریافت می‌کند. در صورت زیان، بانک مبلغی را که وام داده است از دست خواهد داد. این در اصل بدان معناست که منبع دارایی در اسلام بر پایه‌ی فداکاری و همکاری دو جانبه بین وام‌گیرنده و وام‌دهنده قرار دارد، به طوری که نیازهای اساسی طرفین را برآورده سازد. چنین تصور می‌شود که این امر به پرورش بیشتر استعدادهای بشری و غنی‌سازی زندگی انسان می‌انجامد. تأثیری که این امر بر روابط بین وام‌گیرنده‌ها و وام‌دهندگان دارد، این است که بانک‌ها با شرکت‌ها به طور تنگاتنگی کار می‌کنند تا مدیریت مؤثری بر دارایی‌های‌شان داشته باشند. بر این مبنا، چنین به نظر می‌رسد که بانک‌ها ارتباط بسیار مداخله جویانه‌تری با مشتریان‌شان از آنچه معمولاً در مورد غرب وجود دارد، خواهند داشت (Sulaiman, 1997). آخرین مسئله‌ی مرتبط با قرض، به بخشیدن مبالغ معوقه مربوط می‌شود، که اصل اخوت اسلامی، در آیه‌ی ذیل از قرآن منعکس می‌شود:

”اگر کسی که از او طلبکار هستی دست شود، به او مهلت دهید تا بتوانگر گردد و اگر در هنگام تنگ‌دستی به رسم صدقه ببخشید که عوض در آخرت بآید، برای شما بهتر است چنانچه به مصلحت خود دانا باشید” (سوره‌ی بقره آیه‌ی ۲۸۰)

افشا

طبق نظر بی‌دون (۲۰۰۰)، مقیاس‌های اساسی در اقتصادهای پول محور، از هر نوع که باشند، تفاوت زیادی نخواهد داشت. با این حال، شرکت‌های تجاری اسلامی نباید در هر گونه داد و ستدی که شامل بهره می‌شود، شرکت کنند؛ بهره اکیداً ممنوع است.

بنابراین می‌توان استدلال کرد که در سطوح پائین‌تر مقیاس مستقیم، مذهب می‌تواند بر پایگاه داده‌های ایجاد شده توسط داد و ستدهای اسلامی تأثیر بگذارد. شاید لازم باشد که یک شرکت به طور مقتضی داد و ستدهایی را که به وضوح در قوانین اسلامی ممنوع شده است افشا کند. اگر چه تبصره‌های افشاگری وجوه بهره در گزارش‌های مالی برون سازمانی، که در حال حاضر در بسیاری کشورها معتبر هستند، مورد تأیید اسلام نیست، با این وجود، با چیزی که یک مسلمان متدین باید از آن پیروی کند، هم سو و جور است. با این حال، در نظام اسلامی، شرکت‌ها موظف خواهند بود که علاوه بر نشان دادن مقدار بهره‌ی پرداخت شده، دلایل به وجود آمدن آن و قدم‌های لازم برای اجتناب از پرداخت بهره را فراهم کنند، (برای مثال، اخذ وام از بانک‌های اسلامی).

اهمیت زکات

زکات مالیاتی است که پرداخت آن برای هر مسلمانی، که دارایی اش از حد نصاب مشخصی (حداقل مقدار) می‌گذرد واجب است. این در اصل یک مالیات بر ثروت است و در دومین مرتبه‌ی اهمیت قرار دارد. از نظر ال-اشکر (۱۹۸۷)، زکات یک مالیات مذهبی است، منان (Mannan, 1986)، با این تعریف مخالف است. از نظر او، این تعریف زکات، به عنوان مالیات مذهبی، به این معنی خواهد بود که اسلام بین دین و اقتصاد یا بین مسائل دنیایی و مذهبی جدایی قائل است، در حالی که اسلام چنین دوگانگی را قائل نیست. شاید تعریف اهمیت کم‌تری دارد، هدف اهمیت بیش‌تری دارد؛ و هدف توزیع مجدد ثروت است.

زکات یعنی "چیزی که پیراسته می‌شود" و "چیزی که ترویج می‌شود". زکات یک جزء اجباری و جدا نشدنی از شیوه‌ی زندگی اسلامی است که عدم رعایت آن به منزله‌ی نفی خود اسلام است. زکات قلمرو اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی امور مالی اسلامی را پوشش می‌دهد. در گستره‌ی اخلاق، زکات، آزمندی و مال اندوزی ثروتمندان را می‌زداید، در حالی که، در گستره‌ی اجتماعی، زکات به عنوان یک مقیاس منحصر به فرد برای از میان بردن فقر از جامعه است و هم‌چنین ثروتمندان را ترغیب می‌کند که بر طبق انتظار از مسئولیت‌های اجتماعی‌شان زندگی کنند. قرآن به طور قطعی این مساله را بیان می‌کند:

"و آنان که در مال و دارایی خود حقی معین و معلوم گردانند تا به فقیران سائل و فقیران آبرومند محروم رسانند" (سوره‌ی معارج آیه‌ی ۲۴ و ۲۵).

از نقطه نظر اقتصادی، زکات از انباشته شدن بی‌حد و حصر و

در دسر آفرین ثروت در دست تعداد اندکی جلوگیری می‌کند و اجازه می‌دهد به‌طور گسترده‌تری توزیع شود. منان (۱۹۸۶) استدلال می‌کند که پرداخت زکات باید داوطلبانه باشد، به دلیل این که زکات نمادی از اتحاد درونی مذهب و اقتصاد است. با این وصف، زکات را نمی‌توان کار خیری در نظر گرفت که دهنده‌ی آن، این کار را به خاطر برادران مسلمانش انجام می‌دهد.

شریعت تصریح می‌کند فقط افراد ملزم به پرداخت زکات هستند. مالکان فردی مسئول مشخص کردن مقدار مبلغی هستند که باید به عنوان زکات پرداخت گردد، بنابراین گمبلینگ و کرییم (۱۹۹۱) اعتقاد دارند که یکی از اهداف عمده‌ی حسابداری در جامعه‌ی اسلامی، فراهم کردن اطلاعات برای قادر ساختن فرد برای تعیین بدهی زکات خود است. مسئله‌ی دیگری که موضوع قابل ملاحظه‌ای در بین حقوق دانان اسلامی است، این است که یک شرکت چگونه مشمول زکات است؟ بر سر این مسئله در کنفرانس زکات که در سال ۱۹۸۵ در کویت برگزار شد بحث و توافق به عمل آمد. کنفرانس موافقت نمود که در صورتی که یک شرکت به عنوان یک موجودیت قانونی مجزا در نظر گرفته شود زکات باید بر اساس دارایی‌های کنونی شرکت تعیین شود، چنانچه گویی شرکت تمایل به پرداخت زکات دارد. زکاتی که به این ترتیب تعیین می‌شود، سپس بین مالکان تقسیم می‌شود تا هر یک از مالکان، تعهد مذهبی اش را خودش انجام دهد. با این حال، حقوق دانان مسلمان به این توافق رسیده‌اند که شرکت ملزم است تحت چهار شرط ذیل زکات را بپردازد، چه به عنوان یک موجودیت چه از طرف مالکانش:

۱- قانون، شرکت را به عنوان یک موجودیت ملزم به پرداخت زکات کند.



۲- شرکت توسط اساسنامه‌اش یا توسط قانون، به عنوان یک موجودیت ملزم به پرداخت زکات شود.

۳- مجمع عمومی سهامداران، قطعنامه‌ای را تصویب کند که شرکت را موظف کند به عنوان یک موجودیت زکات را بپردازد، و

۴- مالکان به شرکت اجازه دهند به عنوان نماینده‌شان زکات‌شان را پرداخت کنند.

اگر چه اراده‌گرایی در اسلام ترغیب شده است، اما اگر زکات توسط افراد پرداخت نشود دولت می‌تواند از اعمال قدرت برای پرداخت زکات استفاده کند تا عدالت اجتماعی بر پا شود. همان‌طور که هر کسی می‌داند، اسلام حقوق جامعه را به حقوق افراد ترجیح می‌دهد. بنابراین، دولت نقشی اساسی در جامعه‌ی اسلامی دارد. اگر منافع عمومی جامعه بیش از حد صدمه ببیند دولت، قدرت و صلاحیت دخالت را دارد.

تعیین ثروت

زکات بر دارایی، شغل یا تجارت، بدون در نظر گرفتن سود عایدی از آن قابل پرداخت است (Al-Sultan, 1992). اما زکات فقط بر سرمایه‌ای که "در حال ازدیاد" است، قابل پرداخت است. "رشد یا افزایش" به عنوان سود یا منفعت نقد شده یا نشده‌ی دارایی‌های ثابت یا جاری تعریف می‌شود. گمبلینگ و کریم (۱۹۹۱) می‌گویند یک سیستم حسابداری مبتنی بر زکات باید بر اهمیت دارایی‌های واقعی تأکید بگذارد. بنابراین، تمام معاملات باید از دیدگاه تأثیرشان بر دارایی‌ها، بدهی‌ها و دارایی خالص مالک، تحلیل شوند. آنان استدلال می‌کنند که با این کار، برای اندازه‌گیری سود کانون توجه از رویکرد درآمد-هزینه به یک رویکرد دارایی-بدهی تغییر می‌کند. در نتیجه، ترازنامه منبع اصلی اطلاعات حسابداری خواهد شد.

دارایی‌ها به دارایی‌های سرمایه‌ای و موجودی‌های کالا تقسیم می‌شوند. دارایی‌های سرمایه‌ای (دارایی‌های ثابت) مانند ابزارها و ماشین‌آلات، مورد استفاده در شغل شخص هستند، در حالی که موجودی‌های کالا (دارایی‌های جاری)، برای بافروش هستند. زکات بر وجوه نقد، موجودی کالا، حساب‌های دریافتی و اوراق بهادار قابل داد و ستد به کسر بدهی‌هایی که به این موارد مربوط می‌شوند، قابل پرداخت است. لذا سودهای نقدی و غیرنقدی بر دارایی‌های جاری، مشمول زکات هستند. پس صرف نظر از جزئیات، زکات بر خالص سرمایه در گردش قابل پرداخت است. به هر حال، مفهوم حسابداری سرمایه در گردش لزوماً شبیه به مفهوم مذهبی

"سرمایه‌ی در حال رشد" نیست. سرمایه‌ی در حال رشد، فقط در دو موقعیت معادل با خالص سرمایه در گردش می‌شود. اول، موقعی که هیچ نوع بدهی بلندمدتی که از دارایی‌های جاری را به وجود آورده باشد، وجود نداشته باشد و دوم، وقتی که هیچ بدهی کوتاه‌مدتی که سرمایه‌ی یکی از دارایی‌های ثابت را تأمین کرده باشد وجود نداشته باشد.

به هر حال، موقعیت‌های بالا عمدتاً به دلیل نبود حسابداری در سرمایه‌گذاری دارایی‌ها به این شیوه به ندرت رخ می‌دهد. بنابراین، اکثر اوقات زکات بر سرمایه در گردش خالص محاسبه می‌شود. همان‌طور که السلطان (۱۹۹۲) خاطر نشان کرده، دارایی‌ها فقط در صورتی مشمول زکات خواهند بود که شرایط زیر وجود داشته باشد:

- ۱- مالکیت تمام و کمال باشد و اموال بدون هیچ‌گونه محدودیتی در تصرف مالک باشد یا اگر توسط شخص دیگری نگهداری شود اما در کنترل مالک باشد.

۲- دارایی‌ها "در حال رشد" و "قابل ازدیاد" باشند،

۳- دارایی‌ها از حد نصاب تجاوز کنند،

۴- دارایی‌ها از نیازهای اصلی شخصی یا تجاری، افزون‌تر شود، و

۵- دارایی‌ها به مدت یک سال نگه داشته شده باشند.

شرط ۳ و ۴، تقریباً مبهم به نظر می‌آیند. چیزی که شخص برای نیازهای اصلی‌اش کافی می‌داند ممکن است برای دیگری ناکافی باشد. در این جا است که ابعاد اخلاقی و مذهبی وارد می‌شوند. در هر فعلی، اسلام به ارزشمندی احساسات شخص، ارجمندی اهداف و خلوص نیت‌های انسان‌ها تأکید دارد. علاوه بر این، از آنجا که مسلمانان اعتقاد دارند تمام ثروت‌ها و دارایی‌ها نهایتاً متعلق به خداوند است، صد در صد دلیلی وجود ندارد که پیروان راستین اسلام بخواهند دارایی‌شان را کم‌تر از واقعیت نشان دهند و زکات کم‌تری پرداخت کنند. یکی از جنبه‌های تعیین این که زکات بر چه چیزهایی واجب است و بر چه چیزهایی واجب نیست تعیین ثروت و دارایی است. جنبه‌ی دیگری که به همین اندازه از اهمیت برخوردار است ارزش‌یابی دارایی است.

ارزش‌یابی دارایی

اصول مربوط به ارزش‌یابی دارایی‌ها برای تعیین مقدار زکات به خوبی در شریعت وضع شده است. با این حال، چیزی که شریعت در اختیار ما می‌گذارد یک دستورالعمل عام و کلی است. در نتیجه‌ی این امر، حقوق دانان اسلامی بر هیچ یک از روش‌های ارزش‌یابی اموال برای زکات به توافق نرسیده‌اند. برخی حقوق دانان ارزش فروش را

در روزی که مقدار زکات تعیین می‌شود، پیشنهاد می‌کند. کحف (Kahf, 1980)، اقل بهای تمام شده یا ارزش بازار را ترجیح می‌دهد. السلطان (۱۹۹۲) می‌گوید، برخی اندیشمندان اسلامی از بهای تمام شده‌ی تاریخی طرفداری می‌کنند.

با این حال، بیشتر حقوق‌دانان، ارزیابی کنونی دارایی را طبق قیمت‌های فروش، توصیه می‌کنند، شاید به این دلیل باشد که ارزش جاری با مفهوم سرمایه در حال رشد، چه واقعی چه تخمینی، نزدیکی بیشتری دارد. گمبلینگ و کریم (۱۹۹۱)، حمید و همکاران (۱۹۹۳)، با این نظر هم عقیده هستند و پیشنهاد می‌کنند که چیزی هم راستای حسابداری پیوسته‌ی روزآمد شده برای اهداف ارزش‌یابی استفاده شود. مبنای ارزش‌یابی دارایی در این نوع حسابداری، ارزش پول یا معادل پولی دارایی‌ها است. ارزش جاری یک دارایی

می‌تواند بر اساس ارزش میانگین مجموعه‌ای از معاملات که توسط شرکت انجام گرفته یا خواهد گرفت (در صورتی که در خرید و فروش دارایی به کار گرفته شود)، تفسیر شود. در اصل، به بهای تمام شده تاریخی معامله و واحد اندازه‌گیری شرکت در زمان خرید دارایی‌ها وابسته نیست. بنا بر این، استفاده از حسابداری بر

مبنای ارزش‌های جاری در گزارش‌های شرکت‌های اسلامی می‌تواند به عنوان روشی برای توسعه‌ی پاسخگویی شرکت‌ها در حوزه‌ی اجتماعی فرض شود. همین قدر بس که اسلام از منصفانه‌ترین روش در رسیدن به ارزش‌های جاری جانبداری می‌کند، چیزی که به عنوان "انصاف" نامیده می‌شود. در اینجا باید خاطر نشان کرد حقیقت این است که استفاده از ارزش‌های جاری (برای تعیین زکات)، اصل اسلامی عدالت را تا میزان بیشتری از ترازنامه قیمت

بازار، پشتیبانی می‌کند. در نهایت، استفاده از ارزش‌های جاری، پشتیبانی بیشتری از روش‌های مورد استفاده در دوران پیامبر، به عمل می‌آورد. طبق نظر کلارک (۱۹۹۶)، "ارزش مبادله" ممکن است ارزش پول رایج ضمنی استفاده شده در زمان پیامبر برای تعیین حد نصاب (حداقل سرحد ثروت که بیشتر از آن زکات قابل پرداخت می‌شود) برای دارایی‌های مختلف مشمول زکات، مشتق شده باشد. درباره‌ی تعدادی موضوعات مرتبط دیگر، حسابداری اسلامی مفهوم محافظه‌گرایی را همان طور که در غرب استفاده می‌شود پشتیبانی نمی‌کند. محافظه‌کار بودن، یعنی پرداخت کمتر زکات است که به نوبه‌ی خود اعضای فقیرتر جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در نتیجه، تعیین دارایی واقعی یا حداقل برآورد بی‌غرضانه‌ی آن، حائز اهمیت است. در کل، اسلام از ارزش‌های جاری پشتیبانی می‌کند و در حقیقت قرآن در مورد بخل و خست هشدار می‌دهد (سوره‌ی نسا آیه‌ی ۳۷).

نتیجه‌گیری

این مقاله در این مورد بحث می‌کند که حسابداری اسلامی یک فعالیت ارزش‌گرایانه است و شرح و بسط آن جنبه‌های اجتماعی، مادی، معنوی و اخلاقی را در بر می‌گیرد. از این رو، از دید اسلامی دو مسئله در توسعه‌ی حسابداری مقتضی است: زکات و

ربا. ساختار اجتماعی اسلامی بر اصول مساوات، عدالت، برادری و مفاهیم آزادی و مسئولیت قرار دارد. تأثیر ربا (بهره) در حسابداری اسلامی بر ساختار سرمایه‌ی شرکت و بر روش‌های افشاکاری یک شرکت تأثیر دارد. با توجه به سرمایه‌ی شرکت در کنار سرمایه‌ی سهام عادی، تجارتي که مطابق با اصول دقیق اسلامی انجام می‌شود به وام‌هایی بستگی دارد که از بانک به صورت شراکت مضاربه دریافت می‌شود. در مورد افشا، شرکتی که دقیقاً از احکام اسلام پیروی



می‌کند، باید مبالغ پرداخت شده‌ی بهره را آشکار کند، دلایل پرداخت چنین بهره‌ای را بیان کند و هم‌چنین قدم‌هایی را که برای اجتناب از اخذ چنین بهره‌ای در آینده بر خواهد داشت.

علاوه بر این، لازم است که گزارش‌های مالی اسلامی، مسلمانان را قادر به تعیین دین زکات بسازد و در نهایت به عدالتی اجتماعی-اقتصادی برساند. با توجه به این مسئله و تأکید بر افشای کامل، پیشنهاد می‌شود که برای شرکت‌هایی که در اقتصاد اسلامی فعالیت می‌کنند، باید ترازنامه‌ی ارزش جاری تهیه شود. علاوه بر این، چارچوب حسابداری مالی مشتق شده از شریعت باید به عنوان جزئی از نظام اقتصادی و اجتماعی اسلام باشد که در نهایت منجر به پرستش خداوند به شیوه‌ای که خود او مقرر داشته، بشود. مهم‌تر از این، واقعیت حسابداری بر جامعیت و مسئولیت‌پذیری شخصی حسابدار قرار دارد. طبق نظر گربت (Gerboth, 1987):

”اکنون حسابداری بیش از پیش مورد چالش قرار گرفته و باید مسیرش را از روی مفاهیم بلکه براساس ارزش‌هایش تعیین کند و امنیتش را نباید در ساختار ذهنی، بلکه در عمل حرفه‌اش جستجو کند. به طور خلاصه، نه خود حسابداری، بلکه رفتار حسابداران باید مورد توجه قرار بگیرد.”

به هر حال، در مورد حسابدار مسلمان، به دلیل این که شریعت تعهدات و مسئولیت‌های شخصی معینی را برای جامعه تنظیم کرده است، نمی‌تواند به سادگی، تئوری پیشینه‌سازی مطلوبیت را که مورد حمایت تئوری اقتصادی نئوکلاسیک سنتی قرار دارد، بپذیرد. حدیث زیر، که توسط ابراهیم (۱۹۷۶) نقل شده، شاید مسئولیت-پذیری حسابدار را در جنبه‌ی درست آن قرار دهد:

”هیچ یک از شما واقعاً معتقد (مسلمان) نخواهد بود، مگر این که آنچه برای خودش می‌خواهد برای برادرش نیز بخواهد.”

در یک جامعه‌ی اسلامی ایده‌آل، حسابدار باید بوسیله‌ی آیه‌ی ذیل درباره‌ی تادیبه کردن پاسخگو بودنش راهنمایی شود:

”ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در کار دین، با خدا و رسول خیانت نکنید و در کار دنیا با یکدیگر، در صورتی که شما می‌دانید. (سوره انفال آیه ۲۷)؛”

”و محققاً بدانید که شما را اموال و فرزندانان ابتلائی بیش نیست و در حقیقت، اجر عظیم نزد خداوند است (سوره انفال آیه ۲۸).”

منبع:

Sulaiman, Maliah bt. (2003) "The Influence of and Zakat on Islaic Accounting", Indonesian Management and Accounting Review, Vol 2(2), 149-167

تجربه ای نو با سیستم یکپارچه مالی سپهر ۳

عملکرد عالی

کیفیت مطلوب

بشپایانی فنی مستمر

سادگی، کارایی و انعطاف فوق العاده

قابلیت انطباق با نیازهای مشتری

کاراقتی عملکرد

قیمت مناسب

اجرا شده در صنایع و کاربردهای مختلف

نسخ استاندارد، حرفه ای و پیشرفته



info@setarehsepehr.com

www.setarehsepehr.com

تهران، خیابان ملاسرخا، بعد از چهار راه شیراز

ساختمان ساراپ، ۴۰ طبقه ۳ واحد ۱۳۳۰

تلفن: ۸۸۰۳۹۸۵۵ - ۸۸۰۳۹۴۴۸